

آستین کوتاه

(بررسی آستین کوتاه مردان در گفتمانهای تاریخی، ادبی، دینی و قانونی)

منصوره عرب

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

Mansoreh.arab14@gmail.com

چکیده

لباس آستین کوتاه مردانه همواره از پوشش‌های خبرساز در حوزه ارتباطات بوده است و در قوانین عفاف و حجاب دوره‌های مختلف دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این جامه وجود داشته است. در این پژوهش با رویکردی توصیفی و تحلیلی و استفاده از مستندات کتابخانه‌ای آستین کوتاه مردان در گفتمان تاریخی، فرهنگی و ادبی، قانونی و دینی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی‌ها در گفتمان‌های ادبی و تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این نوع جامه‌ها همواره در کنار جامه‌های آستین بلند وجود داشته و لباس غربی نیست. در گفتمان دینی نیز بیشتر مراجع تقلید در پوشیدن آن اشکالی ندیده‌اند و آن را منافی عفت ندانسته‌اند. در گفتمان قانونی هم فقط در سال ۱۳۶۴ با صراحت به منع پوشیدن جامه آستین کوتاه برای مردان اشاره شده است و در قوانین سال‌های بعد لباس‌هایی با آستین خیلی کوتاه مانند حلقه‌ای و رکابی ممنوع شده است. به نظر می‌رسد در قوانین جدید باید درباره این نوع پوشش علاوه بر توجه به گفتمان‌های موجود به موقعیت جغرافیایی، شرایط فرهنگی، روحی، اقتصادی پوشندگان نیز توجه شود تا سلیقه‌های شخصی افراد پشت مفاهیم اسلام و انقلاب و ارزش‌ها پنهان نگردد.

واژگان کلیدی: آستین کوتاه، لباس مردانه، عفاف و حجاب.

آستین کوتاه

(بررسی آستین کوتاه مردان در گفتمانهای تاریخی، ادبی، دینی و قانونی)

منصوره عرب

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

Mansoreh.arab14@gmail.com

مقدمه

به دستار و به دراعه نباشد قیمت عارف که عزت ز آستین نبود ید بیضای موسی را

(دیوان سیف فرغانی: ۴۶۷)

همه ما اخباری از این دست را بسیار شنیده‌ایم؛ پوشیدن لباس آستین کوتاه برای رانندگان تاکسی در فلان شهر ممنوع شد، خبرنگاری را به دلیل داشتن آستین کوتاه در وزارتخانه یا نهادی راه ندادند، فردی به دلیل پوشیدن آستین کوتاه در گزینش پذیرفته نشد، یا شاید داستان آن نگهبان اداره را شنیده باشید که دو پیراهن آستین بلند خریده بود و به مراجعه کنندگان می داد تا بتوانند وارد اداره شوند چون رئیس فرموده بودند هیچ کس نباید با لباس آستین کوتاه داخل اداره شود و چه بسیار دانشجویان و دانش آموزانی که به دلیل پوشیدن پیراهن‌های آستین کوتاه تذکرهای انضباطی و حراستی دریافت کرده‌اند یا شنیده‌اید در اوایل انقلاب داستان کسانی که لباس آستین کوتاه پوشیده بودند رنگ می‌کرده‌اند.

وقتی این اخبار را می‌شنویم و این صحنه‌ها را می‌بینیم از خود می‌پرسیم برچه اساسی گفته شده که مردان نباید لباس آستین کوتاه بپوشند؟ آیا این بایدها و نبایدها قانونی و شرعی است و ریشه در فرهنگ و تاریخ ما دارد یا آنکه سلیق شخصی است که پشت مفاهیم اسلام، انقلاب و ارزش‌ها پنهان شده است؟

شاید با خود بگویید در میان هزاران مشکل حوزه عفاف و حجاب چرا باید به این موضوع توجه شود. اگر رسانه‌ها به این موضوعات و نظایر آن واکنش نشان ندهند سلیق شخصی حاکم می‌شود و به امور مختلف توسعه می‌یابد و اگر واکنش نشان دهند باید تلخ‌کام باشند که چه موضوعات به ظاهر سخیفی سوژه شده است. (محمدی، ۱۴۰۱، عصر ایران)

در این مقاله به بررسی آستین کوتاه مردان در گفتمان تاریخی، فرهنگی و ادبی، قانونی و دینی می‌پردازیم. به امید آنکه پاسخی برای آن چراهای بی‌پاسخ باشد و هم چراغی برای قوانین قابل اجرا و تازه در حوزه حجاب و عفاف که در آن به شرایط و موقعیت، کاربرد و نیازهای روحی و جسمی مخاطبان این پوشش توجه کافی شده باشد.

پیشینه پژوهش

اگرچه درباره پوشاک و جامه‌های ایرانی پژوهشهای بسیاری انجام شده است و بسیاری از آنها در حوزه عفاف و حجاب به جامه‌های زنان پرداخته‌اند اما پژوهشی به طور مستقل به این پوشش مردانه نپرداخته است و تنها در چند مقاله خبری کوتاه به این موضوع اشاره شده است.

روش تحقیق

در این پژوهش با رویکردی توصیفی و تحلیلی و استفاده از مستندات کتابخانه‌ای آستین کوتاه مردان در گفتمان تاریخی، فرهنگی و ادبی، قانونی و دینی مورد بررسی قرار گرفته است. حوزه پژوهش متون مختلف ادبی از پیش از اسلام تا دوره معاصر است.

بحث و تحلیل داده‌ها

گفتمان تاریخی

در این گفتمان به بررسی یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی درباره لباس‌های آستین کوتاه مردان می‌پردازیم:

در منابع آمده است که مردان پارسی مانند زنانشان از نمایش بدن برهنه خود احساس شرم می‌کردند و جز دو دست، نمایش برهنه هر یک از قسمت‌های بدن را خلاف ادب می‌شماردند. (غیبی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). اما در نقوش برجسته صخره‌های اطراف دشت مال امیر (ایذه) نقش برجسته پادشاهی وجود دارد که تن‌پوش کوتاهی دارد و آستین آن نیز کوتاه است. (غیبی، ۱۳۹۲: ۹۶). همچنین جام کشف شده در ارجان بهبهان که به قرن هشتم پیش از میلاد دوره ایلامی نو می‌رسد لباس‌های گوناگون شرکت‌کنندگان در بزمی را نشان می‌دهد که شکارچیان، همراهان پادشاه ایلامی، پادشاه، سربازان و ورزشکاران آستین کوتاه دارند. (همان: ۵۸ و ۵۹).

در دوران هخامنشیان هم مغان شلوارها و جامه‌هایی آستین کوتاه داشته‌اند تا در هنگام اجرای مراسم چینهای لباس با ظروف مقدس تماس نیابد. (حسینی سرابی و زرین کوب، ۱۳۹۵: ۳۸)

در کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی آمده است که پیراهن در قرن سوم تا هشتم هجری هم آستین بلند و کوتاه و هم آستین‌های گشاد یا تنگ داشته است. (غیبی، ۱۳۹۲: ۲۹۰).

در دوره سامانیان پارچه پیراهن بزرگان آستین نسبتاً گشادی داشته و بازوبند‌های طلایی بر روی آستین قرار می‌گرفته است. مردم عادی در دوره طاهریان از پیراهن‌هایی با آستین تنگ استفاده می‌کردند و در دوره سامانیان بر روی آستین پیراهن نقش‌هایی بازوبند نما به کار می‌بردند که طرح آن با نقش و طرح حاشیه دامن لباس هماهنگی داشته که به نظر می‌رسد یک بدعت ناب اسلامی است. (همان: ۲۹۱).

همچنین در دوره طاهریان و صفاریان آستینها بسیار گشاد تر و درازتر از دوره‌های بعد بود و قبای آستین کوتاه هم رواج داشت. (همان: ۲۹۵).

در دوره ایلخانیان نقش بازوبند که در سده‌های پیش متداول بوده در این زمان بر روی لبه آستین کوتاه قبا قرار می‌گرفته است. (همان: ۳۵۶).

در دوره صفویه آستین قباها بلند است و روی مچ دست با دکمه بسته می‌شود. (غیبی، ۱۳۹۲: ۴۰۰). همچنین ردهای جلو باز با آستین‌های کوتاه یا بلند مشاهده می‌شود. (همان: ۴۰۲).

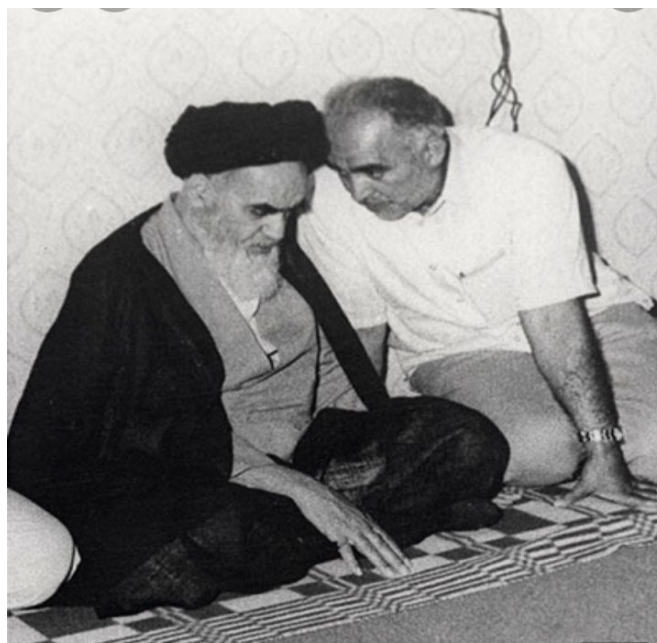
در دوره افشاریه و زندیه اگر قباها آستین کوتاه داشتند، پیراهن رویی در زیر قبا، دارای آستین‌های سنبوسه‌دار بود. (همان: ۴۸۱).

اصولاً آستین در جامه ایرانیان منزلت قابل توجه داشت. در مینیاتورهای دوره تیموری و اوایل صفوی مرد و زن آستین‌هایی به درازی بیرون از حد، بر نیم‌تنه و جبه خود داشتند. درباریان و مقربان شاه آستین‌های گشاد و بسیار بلند خود را چون جامه

رسمی می پوشیدند که به احترام حضور شاه دست‌های خود را تا بالای مچ درون آن پنهان دارند و در حد دست به سینه بایستند زیرا دست در آستین داشتن در حضور شاه و بزرگان از آداب سرسپردگی بود. (همان: ۴۰۳)

این نوع پوشش قبل از انقلاب و پس از آن جزء پوشش‌های رایج مردان در ایران بوده است اگرچه در دوره‌هایی حتی تا به امروز مخالفان بسیاری داشته است. به عنوان مثال حجت الاسلام ناطق نوری در دومین سالگرد شهید قاسم سلیمانی از قول یکی از فرماندهان سپاه اعلام می‌کند که زمانی که گزینش سپاه در دست من بود حاج قاسم برای ثبت نام و عضویت در سپاه مراجعه کرد اما به خاطر اینکه لباس آستین کوتاه می پوشید تلاش او برای پذیرش ناکام ماند. (عصر ایران ۱۶/۱۰/۱۴۰۰).

همچنین برخی به آستین کوتاه شهید مهدی عراقی در حضور امام اشاره می‌کنند و می‌گویند اگر این نوع پوشش خلاف شئون اسلامی بوده است ایشان در حضور امام خمینی لباس آستین کوتاه نمی پوشیدند و یا حداقل به ایشان تذکر داده می‌شد.



حجت الاسلام ناصر نقویان که خود در هیئت عالی گزینش کشور حضور داشته‌اند فرمودند: من مطمئنم گزینشی که ما درست کرده‌ایم نامشروع است و با موازین فقهی ثابت می‌کنم که نامشروع است. کسی که کار بلد است و انسان پاکی است و می‌خواهد خدمت کند تو به او می‌گویی چرا آستین کوتاه می‌پوشی و ریش می‌تراشی. ما اولین شرط کارآمدی که خدمت به مردم است را به او یاد نداده‌ایم و می‌گوییم آستینت کوتاه نباشد. (خبر آنلاین ۲۳/۷/۱۳۹۹)

گفتمان ادبی

یکی از راه‌هایی که می‌توان فرهنگ و شیوه پوشش افراد یک سرزمین را مورد بررسی قرار داد توجه به ادبیات آن کشور است؛ چون ادبیات آینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن یک کشور است. هرچند که امروز در پژوهش‌های مربوط به حوزه پوشاک کمتر به آن توجه شده است. در این گفتمان به بررسی نمونه‌هایی از متون ادبی از آغاز تا دوره معاصر می‌پردازیم که از جامه‌های مردان با آستین کوتاه یا بلند یاد شده است. البته باید توجه داشت که در ادبیات تفاوت کاملاً مشخصی بین جامه‌های آستین

کوتاه و جامه‌های بدون آستین وجود دارد. به عنوان مثال چوخا جامه ای بدون آستین است و جامه هایی چون خرقة، جامه کاتبی، دیکله، شیر داغ، کرته، سدره، زره، غلاله، آستین کوتاه یا آستین تا آرنج دارند.

پیراهنکی بی آستین لیکن شلوار چو آستین بو عمری (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

در متون مختلف از آستین با نامهایی چون آستی، آستیم، کم، بادبان یاد شده است. آستینها حتی گاه جز خلعتها بوده اند: به جهت سلطان دو خلعت یکی جبه و دیگر قبا و آستین و فرجی. (زیدری نسوی، ۱۳۴۴: ۲۰۳) و به این نکته اشاره شده است که لباس‌های کوتاه به پاکیزگی و طهارت نزدیک تر هستند:

رخت کوتاه به طهارت نزدیکتر است. (بهائی، ۱۳۶۹: ۲۱۳)

ابو سلیمان گفته است: در لباس‌های کوتاه سه خصیصه ستوده است؛ همراهی با سنت رسول، نظافت، چند جامگی. (سراج، ۱۳۹۲: ۲۲۵)

کوتاه بکن جامه در صلح و ستیز پاینده و پاک باشد و با پرهیز(خویی، ۱۳۸۹: ۱۹۰)

آستین و دامنش کوتاه کن هر کسی را زین سخن آگاه کن (ناصری، ۱۳۸۵: ۲۷۲)

آستین جامه و پارچه شلوار دراز مکنید تا در کارها دست و پارچه نشوید. (قاری، ۱۳۹۱: ۱۶۶)

از آستین های بلند و دراز با عنوان « آستین اموی» در تاریخ طبری یاد شده است: امام جعفر یک پیراهن آستین اموی بدو پوشانید. (طبری، ۱۳۵۲: ۱۳ / ۵۷۲۴)

همچنین از گشادی آستین جامه‌ها نیز سخن به میان آمده، آستینهایی آنقدر گشاد که اشیای مخالف را در آن می توان پنهان کرد که به نظر می رسد جیبهایی درون این آستینها دوخته بودند:

طبقی شکر در آستین من کرد. (محمد بن منور، ۱۳۶۶: ۶۸)

وی عقدی گوهر از آستین بیرون گرفت. (بیهقی، ۱۳۸۰: ۵۶۲)

اسطرلاب و دو سه کتاب در آستین کرد. (طرسوسی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۵۰)

قلنسوه را برگرفت و در آستین گذاشت. (ابن جوزی، ۱۳۶۸: ۱۶۰)

کتاب را در میان آستین خود می گذاشت. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۳۰۴)

ردای فراخ آستین چنانکه سنت علمای راستین بود می پوشید. (افلاکی، ۱۳۶۲: ۱۸۴)

گشادی آستین ها گاه با چینهای بسیار آستین همراه بوده است:

آنکه چینی آستین‌ها را برابر می کند/چون بداند ذوق چاک جامه صدپاره چیست (عرفی شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۰۴)

همچنین به آستینهای تنگ نیز اشاره شده است:

مقدسی در « احسن التقاسیم» درباره جامه‌های سربازان خراسان آورده:

آستین های سربازان تنگ است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۸۱/۲) و درباره قوم لوط آمده: ده چیز را پیشه گرفتند و در میان خلق

آوردند... آستین تنگ کردن. (سورآبادی، ۱۳۷۰: ۸۲)

آستین تنگ بی تیرگزر نشاید کرد تا در تیر انداختن و وضو ساختن در زحمت نباشید. (قاری، ۱۳۹۱: ۱۶۶)

اولین اثری که در آن از پیش از اسلام از بازوهای برهنه سخن به میان آمده است «کارنامه اردشیر بابکان» است:

سواران به افسون و ریشخند به آیین تناونک و برهنه باز به پیش اردشیر فرستاد. (فره وشی، ۱۳۷۸: ۵۹)

پوشش‌های آستین کوتاه به ویژه جامه صوفیان و عارفان است:

آن روز حضرت چلبی بر سر پیراهن تکلله (بالاپوشی آستین کوتاه) عارفی پوشیده بود. (افلاکی ۱۳۶۲: ۹۳۳/۲)

تا نیمه ساق و آستین کوتاه و فراخ داشتن از شعار تصوف است. (باخرزی، ۱۳۸۳: ۲/۲۷۲)

به زیر دلق ملمع کمندها دارند درازدستی این کوتاه آستینان بین. (برزگر خالقی، ۱۳۹۱: ۹۱۰)

آستین کوتاه کردی حيله ساز / تا توانی کرد خوش دستی دراز (عطار، ۱۳۸۸: ۲۶۷)

آستین کوتاه و روی زرد پیش قهر سابق چه سود کند؟ (بقلی شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۸۹)

آستین کوتاه تا در خدمت کردن چابک تر باشد. (سهروردی، ۱۳۹۲: ۴۶)

در کتاب «ناسخ التواریخ» در توصیف جامه‌های پیامبر(ص) آمده است: گاهی پیراهن کوتاه بالا و کوتاه آستین پوشیدی. (سپهر، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۴)

آستین پیراهن تا ساعد و گاهی تا اطراف اصابع. (همان: ۱۸۰/۴)

در «کشف المحجوب» درباره جامه‌های حضرت علی(ع) آمده:

از امیرالمومنین علی می آید کی پیراهنی داشتی آستین آن با انگشت برابر بود و اگر وقتی پیراهن دراز تر بودی سر آستین آن فرو دریدی. (هجویری، ۱۳۷۱: ۵۰)

در «کلیات نظام قاری» به شرح برخی از جامه‌های آستین کوتاه پرداخته شده است مانند:

ترلک: قبای آستین کوتاه پیشواز مخصوص سپاهیان ایران (قاری، ۱۳۹۱: ۱۹۷)

دگله: بالاپوش کوتاه آستین (همان: ۲۰۲)

دوکل: خلعتی است کوتاه آستین (همان: ۳۸۳)

یکی از آثار دیگری که به جامه‌های آستین کوتاه یا آستینهای بالازده در آن بسیار اشاره شده است «اوراد الاحباب و فصوص الآداب باخرزی» است که علاوه بر اشاره به این نکته به شغل افرادی که به اقتضای کارشان باید جامه‌هایی آستین کوتاه یا بالازده داشته باشند هم اشاره می شود:

سقا آستین خود بر زده و میان را بسته دارد در حین خدمت. (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۴۴/۲)

اگر مسافر را کب باشد بر وی میان بستن و آستین بر زدن نیست. (همان: ۱۷۵)

صوفی چون خواهد که به استعداد وضو مشغول شود آستین‌ها بر زند. (همان: ۹۵)

خادم سمات اول آستین راست و چپ بر زند. (همان: ۱۳۳)

در کتاب « شرح زندگانی من » نیز به آستین برزدن نمدمالها اشاره شده است:

اکثر نمدمال‌های شهر بودند و آستین‌های پیراهن آنها تا بیخ کول بالا زده بودند. (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۲۹۴)

گفتمان دینی

در گفتمان دینی هر لباسی که منافی عفت باشد ممنوع است. عفت در پوشش یعنی انسان از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و نازک و بدن‌نما که جلب انظار دیگران و خودنمایی را باعث شود اجتناب کند. (زاهد و کاوه، ۱۳۹۱: ۹۰).

در پاسخ به این سوال که پوشیدن پیراهن آستین کوتاه در مقابل زن نامحرم چه حکمی دارد، مراجع این گونه پاسخ داده اند:

آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و مکارم فرمودند: اشکالی ندارد.

آیت الله نوری فرمودند: اگر مخالف عفت عمومی نباشد و در نظر افراد متشرع منکر محسوب نشود اشکال ندارد.

آیت الله وحید فرمودند: اگر بداند زنان از روی تعمد و لذت به او نگاه می کنند واجب است مرد لباس آستین‌دار بر تن کند و در غیر این صورت اشکال ندارد.

آیات عظام بهجت و صافی فرمودند: بنابر احتیاط واجب باید لباس آستین‌دار بپوشد. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

گفتمان قانونی

همیشه عواملی مانند موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، فرهنگ و تمدن قومی و نژادی، جایگاه اجتماعی، دین و مذهب، وضعیت اقتصادی، تجارت و اوضاع سیاسی از عوامل تأثیر گذار بر پوشاک و تغییرات آن بوده است. (غیبی، ۱۳۹۲: ۲۰۳) که در قانونها و برنامه های اجرایی باید بدان توجه شایسته و کامل داشت.

دهه ۱۳۶۰ را دهه حجاب و الزامات قانونی آن می دانند. در بخشنامه نخست وزیری مورخ ۱۳۶۴/۲/۲ درباره رعایت حجاب اسلامی در محیط کلیه دستگاه‌های اجرایی آمده که: پوشش برادران کارمند ساده و معمولی و آستین بلند و آزاد باشد به طوری که تقلید از فرهنگ غرب نبوده و در شأن آقایان کارمند باشد. (بادران، ۱۳۹۷: ۹۸)

بخشنامه مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ درباره مصادیق پوشش مجاز و غیرمجاز دانشجویان آمده است: ممنوعات پوشش مردان لباس‌های اندامی مردانه تنگ و چسبان آستین خیلی کوتاه مانند حلقه‌ای یا رکابی. (همان: ۴۲)

در دستورالعمل برنامه دهگانه درون سازمانی ترویج فرهنگ عفاف حجاب ویژه کارکنان، مراجعین و خانواده‌ها ابلاغی شماره ۱۳۷۴/۳/۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۸/۹ سازمان حراست کل کشور به کلیه دفاتر حراست دستگاههای اجرایی آمده است: تعیین حدود پوشش کارکنان مرد شامل رعایت آراستگی و متانت ظاهری اجتناب از پوشیدن تیشرت، پیراهن تنگ با آستین کوتاه. (همان: ۱۵۶).

البته در بند ۱۵ راهبردهای گسترش حجاب و عفاف مصوبه جلسه ۴۱۳ تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ شورای عالی انقلاب آمده که: در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب باید به نوع کار و شرایط و مقتضیات محیط زندگی و خصوصیات اقلیمی و سنت‌ها و آداب محلی و منطقه‌ای مربوط به لباس و پوشش با رعایت اصل حکم فقیه حجاب توجه شود و از الزام همگان به استفاده از یک نوع رنگ و شکل خاص خودداری شود. (همان: ۴۰)

در بند ۱۵ نیز آمده تبلیغ عفاف و حجاب باید چنان باشد که موجب بدآموزی و اشاعه فحشا نشود و در این زمینه باید مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد. (پاک نیا تبریزی، ۱۳۹۱: ۳۹)

نتیجه گیری

بررسی جامه آستین کوتاه در گفتمان های گوناگون نشان می‌دهد که این نوع پوشش از پیش از اسلام تا دوره حاضر همواره در کنار جامه‌های آستین بلند برای مردان و زنان وجود داشته است و آن گونه که برخی می‌پندارند این نوع جامه لباس غربی نبوده است. در گفتمان دینی نیز بیشتر مراجع تقلید در پوشیدن آن اشکالی ندیده‌اند و آن را منافی عفت ندانسته‌اند. در گفتمان قانونی نیز فقط در بخشنامه نخست وزیری سال ۱۳۶۴، حدود ۳۰ سال پیش، به صراحت اشاره شده است که پوشش برادران کارمند آستین بلند باشد و در بخش نامه مصوب ۱۳۷۴ پوشش‌های مجاز و غیرمجاز دانشجویان لباس‌های تنگ و چسبان خیلی کوتاه مانند حلقه ای و رکابی ممنوع شده است و در دستورالعمل درون سازمانی ترویج فرهنگ عفاف و حجاب سال ۱۳۹۱ به اجتناب از پوشیدن تیشرت و پیراهن تنگ با آستین کوتاه اشاره شده است. به نظر می‌رسد در قوانین سال ۱۳۶۴ به موقعیت های جغرافیایی و اقلیمی فرهنگ و تمدن، دین و مذهب و حتی وضعیت اقتصادی با توجه به ارزان تر بودن لباس‌های آستین کوتاه در مقایسه با آستین بلند و تجارت توجه کافی نشده است و این است که سالها به اسم گزینش و تأیید صلاحیت، استعدادهایی که مطابق سلیقه برخی از مدیران لباس نمی پوشیدند کنار گذاشته شده یا منزوی شدند. آیا با این شتاب تند سیر تغییر و تحول در سلیقه پوشندگان جامه‌ها و انواع گوناگون جامه‌هایی که به راحتی و آرامش کاربران یک پوشش توجه می‌شود زمان آن نرسیده که با صراحت بیان کنیم که کشور با قوانین عفاف و حجاب دهه شصت که مبنایی دینی هم ندارد، اداره نمی‌شود و به سلیقه و نیازهای روحی و فرهنگی استفاده کنندگان از این پوشش احترام می‌گذاریم؟ آیا اجازه داریم وقتی در زیر خنک‌ترین کولرها نشسته‌ایم برای رانندگان تاکسی که در میان آتش تابستان به دنبال کسب روزی حلال هستند، استفاده از لباس آستین کوتاه را ممنوع نماییم؟ آیا نباید رنگ ریا را از لباسهای آستین بلند مردان پاک گردانیم و اجازه دهیم هر کس خودش آزادانه جامه‌اش را انتخاب کند؟ شرع و قانون می‌گوید که هر عاقلی خودش می‌تواند درست انتخاب کند. به راستی چرا ما باید برای بدیهی‌ترین امور این همه هزینه کنیم؟

خدا از آن خرقة بیزار است صد بار که صد بت باشدش در آستینی (حافظ)

منابع و مآخذ

- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۳۶۸)، *تلبیس ابلیس*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، نشر دانشگاهی.
- افلاکی، احمد (۱۳۶۲)، *مناقب العارفین*، تصحیح تحسین یازجی، دوم، دنیای کتاب.
- باخرزی، یحیی (۱۳۸۳)، *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*، دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- بادران، مهناز (۱۳۹۷)، *مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب و اخلاق و عفت عمومی*، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- برزگر خالقی مطلق، محمدرضا (۱۳۹۱)، *شاخ نبات حافظ*، ششم، تهران، زوار.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۳۸۹)، *شرح شطحیات*، تصحیح هانری کربن، ششم، تهران، طهوری.
- بهائی، محمد (۱۳۶۹)، *مفتاح الفلاح*، ترجمه علی بن طیفور بسطامی، دوم، تهران، حکمت.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح منوچهر دانش‌پژوه، دوم، تهران، هیرمند. طرسوسی، ابوطاهر (۱۳۷۴)، *داراب نامه*، به کوشش ذبیح الله صفا، سوم، تهران، علمی و فرهنگی.

پاک نیا تبریزی، عبدالکریم (۱۳۹۱)، *نگاهی به قانون فراموش شده عفاف و حجاب*، مبلغان، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱، شماره ۱۵۹، صص ۳۶-۴۵

حسینی سرابی، فرحناز، زرین کوب، روز به (۱۳۹۵)، *مغان در روزگار هخامنشیان بر اساس متون کلاسیک و الواح باروی تخت جمشید*، مطالعات تاریخی- فرهنگی پژوهشنامه انجمن ادبی تاریخ، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۵-۴۳

خویی، حسام‌الدین (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار*، تهران، میراث مکتوب.

زاهد، سعید، کاوه، مهدی (۱۳۹۱)، *گفتمان‌های پوشش ملی در ایران*، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۴، ۴۹-۷۴

زیدری نسوی (۱۳۴۴)، *سیرت جلال‌الدین مینکبرنی*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

سپهر، محمد تقی (۱۳۸۵)، *ناسخ‌التواریخ*، دوم، تهران، اساطیر.

سراج، ابونصر (۱۳۸۲)، *اللمع فی التصوف*، ترجمه مهدی محبتی، تهران، اساطیر.

سورآبادی (۱۳۷۰)، *قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی*، سوم، تهران، خوارزمی.

سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۹۲)، *عوارف‌المعارف*، ترجمه ابومنصور اصفهانی، پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

عرفی شیرازی، (۱۳۷۸)، *کلیات*، تصحیح محمد ولی‌الحق انصاری، تهران، دانشگاه تهران. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من*، پنجم، تهران، زوار.

عطار، فریدالدین (۱۳۸۸)، *مصیبت‌نامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چهارم، تهران، سخن.

غیبی، مهرآسا (۱۳۹۲)، *هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی*، پنجم، تهران، هیرمند.

فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۸)، *کارنامه اردشیر بابکان*، دوم، تهران، دانشگاه تهران.

قاری، محمود بن احمد (۱۳۹۱)، *کلیات*، تصحیح رحیم طاهر، تهران، سفیر اردهال و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

محمد بن منور (۱۳۶۶)، *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه.

محمدی، جعفر (۱۴۰۱)، *حکایت پرهزینه و دیرپای مایه گذاشتن از اسلام*، عصر ایران، ۱۴۰۱/۳/۳۱.

مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱)، *احسن‌التقاسیم فی معرفه الأقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

منوچهری، احمد بن قوص (۱۳۹۰)، *دیوان*، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، هفتم، تهران، زوار.

ناصری، ناصر (۱۳۸۵)، *فتوت‌نامه منظوم*، سوم، تهران، سخن.

ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، اساطیر و مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها.

هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۷۱)، *کشف‌المحجوب*، تصحیح دژوکوفسکی، دوم، تهران، کتابخانه طهوری.